نگاهی به شرکت‌کنندگان کنفرانس «افق نو»

مورد عجیب علی داگلاس نیومن و دوستش

مهدی نوریان

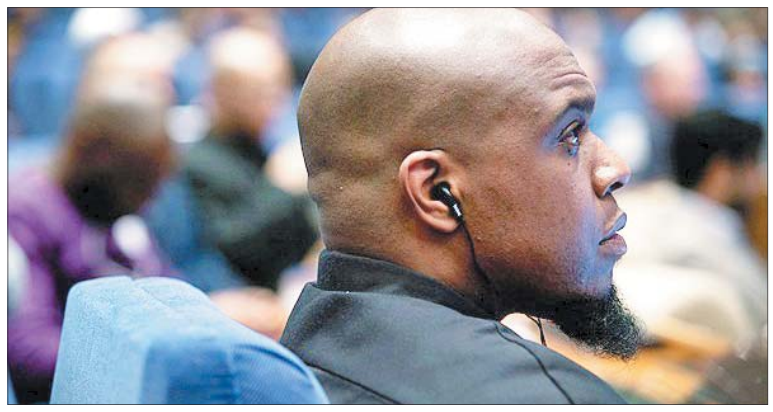

سومین کنفرانس «افق نو» هفته گذشته با تمرکز بر «خشونت پلیس آمریکا علیه سیاه‌پوستان» آغاز شد. این کنفرانس سه روز به صورت نشست برگزار شد و در مرحله بعد به مدت دو هفته میهمانان به استان‌های مختلف کشور سفر کردند و به سخنرانی پرداختند. سفر و سخنرانی‌ای که هم‌اکنون نیز در جریان است و قرار است دو هفته ادامه پیدا کند. به گفته «نادر طالب‌زاده»، دبیر این کنفرانس، از حدود ۳۰ نفر از سیاه‌پوستان آمریکا برای شرکت در این کنفرانس دعوت شد. دو نماینده اصولگرای مجلس نیز در نشست آغازین «افق نو» سخنرانی کردند. «احمد سالک»، رئیس کمیته فرهنگی مجلس ایران، در سخنرانی خود در مراسم افتتاحیه این نشست با اشاره به اینکه آمریکا را شیطان بزرگ می‌داند، گفت: «آمریکا بین اصولگرایان ایرانی به دلیل جنایت‌هایش با داعش مقایسه می‌شود و در این زمینه ترجیع‌بند مشترکی وجود دارد». «بیژن نوباوه» نیز در این نشست به سخنرانی پرداخت. نشست «افق نو» جمعه گذشته با سخنرانی «حسن رحیم‌پور ازغدی» و «فؤاد ایزدی» به پایان رسید. رحیم‌ازغدی در سخنرانی پایانی نشست خطاب به سیاهان آمریکا گفت: «تازمانی‌که شما شجاعت این را نداشته باشید که روزی هزار شهید بدهید، نمی‌توانید به حقوق خود دست یابید».

تعطیلی «افق نو»

اولین نشست «افق نو» در سال ۹۱ برگزار شد. سال ۹۲ و با روی‌کارآمدن دولت روحانی بودجه آن حذف شد و به لغو آن انجامید؛ ولی پس از انتقادهای شدید برخی از نمایندگان مجلس و طرف‌داران خارجی این کنفرانس، «افق نو» سال بعد از آن برگزار شد. نادر طالب‌زاده، دبیر کنفرانس افق نو، لغو این کنفرانس را «اشتباه بزرگ دولت ما» خوانده بود. او با اشاره به نحوه تعطیلی جشنواره «افق نو» گفته بود: «وزارت خارجه اعلام می‌کند که جشنواره افق‌نو تعطیل شود و وزیر ارشاد عملی می‌کند». برخی نمایندگان مجلس هم تعطیلی این کنفرانس را دست‌مایه سؤال از وزیر ارشاد قرار دادند. نتیجه این طرح سؤال فراخواندن وزیر ارشاد به مجلس شد و «قاسم جعفری»، نماینده بجنورد، از او درباره دلایل تعطیلی این جشنواره سؤال کرد. طالب‌زاده همان زمان به «مشرق» گفت ورود نمایندگان مجلس و کمیسیون امنیت ملی برای حل ماجرا بسیار خوب بود و موجب بازگشایی مجدد آن شد.دومین کنفرانس افق نو سال گذشته، هفتم مهرماه و با عنوان «نخستین جشنواره بین‌المللی فیلم‌سازان مستقل» در قالب چهارده محور برگزار شد. به گفته طالب‌زاده با تغییر ساختار «افق نو» به‌عنوان یک رویداد سینمایی، ایده کنفرانس «افق نو» مطرح شد که در این ساختار، «بحث‌های رسانه‌ای و انتقاد از سیاست‌های دولت آمریکا» را بتوان پیش برد.

ایده‌پرداز «افق نو» کیست؟

«نادر طالب‌زاده»، فیلم‌سازی ایرانی است و از آن‌جایی که شهروند آمریکا محسوب می‌شود، «توماس اردبرینگ» در مقاله‌ای در «نیویورک تایمز» او را یک ایرانی- آمریکایی خطاب می‌کند. او در دوران جوانی به همراه خانواده‌اش به آمریکا مهاجرت می‌کند و پس از فارغ‌التحصیلی در رشته ادبیات انگلیسی در مقطع کارشناسی از دانشگاه راندولف میکن، کارشناسی ارشد خود را در رشته کارگردانی سینما از دانشگاه کلمبیای آمریکا دریافت می‌کند. فعالیت هنری او در سال ۵۹ و در صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران آغاز می‌شود. تفکرات طالب‌زاده او را در زمره اصولگرایان جای می‌دهد. او یکی از بنیان‌گذاران قرارگاه عمار است که «جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی» نامیده می‌شود. از اعضای قرارگاه عمار می‌توان، «علیرضا پناهیان»، «مهدی طائب»، «مهدی کوچک‌زاده»، «حمید رسایی»، «حسین یکتا»، «حسن عباسی»، «سعید حدادیان»، «حسین الله‌کرم»، «وحید جلیلی» (برادر سعید جلیلی)، «روانبخش» و «سعید قاسمی» را نام برد. روانبخش در گفت‌وگویی با ایسنا راجع به وجه تسمیه این گروه گفته بود: «به این خاطر از لفظ قرارگاه استفاده شده که باور کنیم در جنگ قرار داریم، نه جنگ نظامی، بلکه جنگ نرم و فرهنگی». اعضای قرارگاه عمار در سال ۹۰ گردهمایی‌ای را در مؤسسه علمی- پژوهشی امام‌خمینی(ره) قم و با سخنرانی «محمدتقی مصباح یزدی» برگزار کردند.

«لامرانا جالوه»، یکی از میهمانان سیاه‌پوست این نشست، مدیر شرکتی است که بانوی شایسته کشور سیرالئون را انتخاب می‌کند. معترضان به مراسم بانوی شایسته در همه‌جای جهان معتقدند این رقابت‌ها نگاهی ابزاری به زن داشته و زن را تا حد یک شیء تقلیل می‌دهند.

اشتباه «افق نو»

تعداد سیاه‌پوستان آمریکایی در دو نشست قبلی بسیار زیاد بود و در نشست سوم نیز به‌ویژه با توجه به موضوع آن، اکثر میهمانان را سیاه‌پوستان تشکیل می‌دادند؛ ازهمین‌رو ترکیب میهمانان نشست‌های «افق نو» درخور توجه و تامل است. به نظر می‌رسد برگزارکنندگان این نشست به‌دلیل وجود اشتراک لفظی بین دو گفتمان و صرفا به دلیل وجود بستر اعتراضی موجود در این گفتمان‌ها دچار اشتباهی استراتژیک شده‌اند و بدون توجه به معرفت‌شناسی کاملا متفاوت این دو گفتمان سعی کرده‌اند عمدا یا سهوا این دو را خلط کنند و به جبهه فکری خود به هر قیمتی قدرت ببخشند. حال آنکه علت گرایش سیاهان آمریکایی به این مقوله چیزی دیگر و از جنسی دیگر است.

عده‌ای از رهبران آزادی‌خواه سیاه‌پوست آمریکایی چون «الایجا محمد» و «لوییس فراخان» و به تبع ایشان «ملکم اکس» مذهب را به‌عنوان بستری برای تئوریزه‌کردن اعتراض‌های خود انتخاب کردند. نکته قابل توجه و تعمق این است اسلامی که در گروه «ملت اسلام» در سال ۱۹۳۰ در شهر دیترویت ایالت میشیگان توسط «والاس دی فراد» پایه‌گذاری شد و بعد از او توسط افرادی چون «الایجا محمد»، «وارث دین محمد»، «لوییس فراخان» و غیره تا به امروز میان سیاه‌پوستان معترض به سیاست‌های آمریکا در جریان است، اساسا با شریعت اسلامی که ما می‌شناسیم و به آن معتقدیم تفاوت دارد. شاید تنها وجه شباهت آنها در عرصه سیاست را بتوان وجود عناصر انتقادی و اعتراضی به دستگاه ناعادلانه قدرت دانست، اما گفتمان مذهبی- اعتراضی سیاه‌پوستان آمریکا در دل فرهنگ عامه آمریکا شکل گرفته است و مشخص است که فرهنگ عامه هر جامعه با فرهنگ مسلط آن جامعه در ارتباط است و از آن تأثیر می‌پذیرد. هرچند بعضا صداهای مخالف در دل فرهنگ عامه شنیده می‌شود و سعی در به چالش کشیدن فرهنگ مسلط دارند. تعجبی ندارد که رفتارهای این افراد براساس آنچه ما از شریعت اسلام می‌شناسیم بسیار نامتعارف و حتی نابه‌هنجار به‌نظر آید و نزدیک به فرهنگ آمریکایی باشد.

«لامرانا جالوه»

«لامرانا جالوه»، یکی از میهمانان سیاه‌پوست این نشست، مدیر شرکتی است که بانوی شایسته کشور سیرالئون را انتخاب می‌کند. معترضان به مراسم بانوی شایسته در همه‌جای جهان معتقدند این رقابت‌ها نگاهی ابزاری به زن داشته و زن را تا حد یک شیء تقلیل می‌دهند. جالوه در صفحه فیسبوکش با انتشار عکسی از خود درحالی‌که تندیسی از نشست افق نو دریافت کرده است، می‌نویسد: «بعد از دریافت جایزه‌ام از الله برای توفیقی که نصیبم کرد تشکر می‌کنم». دیگر تصاویر منتشرشده در صفحه او هیچ نشانی از التزام به شریعت اسلام ندارد و کاملا منطبق با فرهنگ آمریکایی است. تصاویر دختران برهنه در کنار او و مسکرات بر این گفته صحه می‌گذارد. او سخنران سوم در جلسه روز سوم همایش بود و در سخنرانی کوتاه خود به شرایط سخت زندگی و مشکلات متعدد مردم سیرالئون اشاره کرد که اصلا در تصاویر منتشره در صفحه‌اش مصداقی از آن دیده نمی‌شود؛ در این عکس‌ها می‌توان به نمایش‌دادن گوشی آیفون خود و عکس‌گرفتن کنار ماشینی گران‌قیمت اشاره کرد که در توضیح آن با حسرت می‌نویسد: «فقط اگر من آن را داشتم!» چنین رفتارهایی کاملا برخلاف اظهارات او درباره شرایط سخت زندگی و مشکلات مردم است و تفکرات ضدسرمایه‌داری او را زیر سؤال می‌برد و به نوعی نقض غرض است. زندگی‌ای که این تصاویر نشان می‌دهد کاملا منطبق با فرهنگ آمریکایی است که خود او به‌دلیل ضدیت با آن در نشست افق نو شرکت کرده است.

«علی داگلاس نیومن»

«علی داگلاس نیومن»، یکی دیگر از میهمانان دعوت‌شده به این نشست است. او در ۱۵ سالگی به اسلام گروید. او که با نام «جیسون داگلاس نیومن» متولد شد و امروز نام علی را برای خود انتخاب کرده است، یک خواننده آمریکایی هیپ‌هاپ است. موسیقی هیپ‌هاپ عنصری از فرهنگ هیپ‌هاپ است. عناصر دیگر این فرهنگ را رقص خیابانی، دیوارنگاری و دی‌جی تشکیل می‌دهند. دی‌جی شخصی است که موسیقی‌های ضبط‌شده را برای حاضران کلوپ‌های اغلب شبانه پخش می‌کند. کاملا مشخص است که فرهنگ هیپ‌هاپ در دل فرهنگ عامه آمریکا رشد پیدا کرده است و با عناصر آن فرهنگ عجین است. نیومن در طرح روی جلد آخرین آلبوم خود با عنوان «سوگواری در آمریکا و رؤیای رنگی دیدن»، درحالی به تصویر کشیده شده است که در حالت نماز روی دو زانوی خود نشسته است و روی پرچم آمریکا نماز می‌خواند. تصویری که در تفکر ایرانی وجود دارد این است که همیشه سجاده را با نمادهای دینی چون تصویر کعبه و مسجدالنبی می‌شناسیم و این می‌تواند نوعی بی‌احترامی محسوب شود. اگرچه این تصویر در تفکر آمریکایی معنای متفاوتی دارد و همین تفکر متفاوت است که دعوت از چنین شخصیت‌هایی را محل اشکال می‌کند.

«علی داگلاس نیومن»، یکی از میهمانان دعوت‌شده به این نشست است. او در ۱۵ سالگی به اسلام گروید. امروز نام علی را برای خود انتخاب کرده است، یک خواننده آمریکایی هیپ‌هاپ است. موسیقی هیپ‌هاپ عنصری از فرهنگ هیپ‌هاپ است. عناصر دیگر این فرهنگ را رقص خیابانی، دیوارنگاری و دی‌جی تشکیل می‌دهند

در گزارشی که ان‌پی‌آر از او منتشر کرده است به نقل از او نوشته، او معتقد به جامعه اسلامی هرچه لیبرال‌تر است که در آن تفکرات مختلف بتوانند کنار هم زندگی کنند. او می‌گوید: «در یکی از آلبوم‌های گذشته‌ام اشتباه کردم و به همجنس‌گرایان توهین کردم که متفاوت هستند. اما امروز به این دلیل شرمگین هستم و دوستان همجنس‌گرا دارم و به همجنس‌گرایان احترام می‌گذارم». در جای دیگر این گزارش آمده است که او بسیار فحاشی می‌کند و به ادعای خودش این بددهنی منافاتی با ایمان ندارد. متأسفانه تمرکز صرف بر ظواهر باعث شده است که عده‌ای بدون توجه به این اشتباه ناشی از اشتراک لفظی، عمدا یا سهوا، با برگزاری نشست‌هایی این‌چنینی و دعوت از چنین افرادی سعی کنند به تفکرات خود قوت بخشند. جالب آن‌جاست که با وجود حضور چنین میهمانانی، «نادر طالب‌زاده» همیشه میهمانان این نشست را در زمره نخبگان و متفکران می‌داند.

نگاه

پیروزی دیپلماسی بر جنگ

اردشیر زارعی‌قنواتی

• نشست وین درمورد سوریه را شاید بتوان به عنوان یک مرحله جدید در مسیر حل‌وفصل سیاسی جنگ داخلی و بحران سیاسی این کشور تلقی کرد. به دلیل اینکه بحران سوریه بعد از مرحله اول که شامل اعتراضات داخلی بود، به واسطه دخالت قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در سوق‌دادن این اعتراضات به سمت جنگ‌های مسلحانه و منازعات فرقه‌ای، هم‌اکنون به یک جنگ جهانی کوچک تبدیل شده است، لاجرم نفس این نشست که بر خلاف دیگر کنفرانس‌های برگزارشده توانست تمامی طرفین منازعه خارجی را گرد هم آورد، در نوع خود یک پیروزی برای تفوق منطق «دیپلماسی» بر جنگ بوده است. آنچه این موفقیت نسبی را تا حدود زیادی پررنگ می‌کند، توافق طرفین حول یک برنامه ۹ ماده‌ای در چارچوب مصالحه مرضی‌الطرفین و تعهد دو طرف میز برای ادامه پروسه تفاهم دیپلماتیک است. عبور بازیگران اصلی بحران سوریه از پیش‌شرط‌های انتزاعی و اولیه خود در این سال‌های پرتنش، که در رأس آن شرط تعیین تکلیف «بشار اسد» رئیس‌جمهوری قانونی این کشور قرار داشت، را شاید بتوان دومین مورد برای موفقیت نسبی نشست وین به حساب آورد. بدون‌شک این دو موفقیت عمده به دست نمی‌آمد به غیر از آنکه طرفین خارجی منازعه به این یقین مسلم می‌رسیدند که راه‌حل بحران سوریه از مسیر ادامه جنگ و خشونت به سرانجام نخواهد رسید. به تعبیری ساده‌تر پذیرش نقش و موجودیت طرفین منازعه در ابعاد ملی و فراملی در کنار توافق حول مبارزه همگانی علیه گروه‌های تروریستی و بنیادگرا تنها راه خروج از بن‌بست موجود خواهد بود. از طرف دیگر همین پذیرش کانونی آینده «سکولار» و حفظ ساختارهای موجود سیاسی- امنیتی سوریه به همان نسبت که دولت اسد را خشنود می‌کند، می‌تواند راه را بر نقش‌آفرینی تمامی گروه‌های تندرو از قبیل داعش، جبهه النصره، جیش‌الاسلام، جبهه اسلامی، جندالشام و لواءالتوحید در معادلات جدید بسته و راه را برای مصالحه سیاسی قابل‌قبول باز کند.

آنچه در توافق اولیه نشست وین به دست آمد، هرچند که گام اول در یک مسیر طولانی خواهد بود اما در صورتی که ادامه مذاکرات بتواند طرفین منازعه را ملزم به رعایت چارچوب کلی این تفاهم سیاسی کند، می‌تواند به عنوان شاه‌کلید قفل دروازه‌ای باشد که از وین تا دمشق می‌بایست با پشت‌سرگذاشتن هر ایستی به‌مرور دروازه‌های بیشتری را باز کند. بدون هیچ تردیدی از روز اول شکل‌گیری بحران سوریه بازیگران اصلی در ابعاد بین‌المللی، روسیه و آمریکا و در ابعاد منطقه‌ای ایران و محور عربستان- ترکیه بوده‌اند و مواضع این اضلاع متضاد، قبل از نشست وین چنان بود که حتی به دلیل اعلان پیش‌شرط‌های یکجانبه، احتمال و امکان هیچ مذاکره و مصالحه عینی وجود نداشت. با توجه به ورود عوامل جدید از جمله توافق هسته‌ای بین ایران و غرب و مهم‌تر از همه دخالت گسترده نظامی (هوایی) روسیه با دعوت رسمی دولت اسد در سرکوب گروه‌های تروریستی و مخالفانی که تا پشت دروازه‌های دمشق رسیده بودند، همکاری فعال ایران در حمایت از پیشروی‌های ارتش سوریه به سمت مناطق استراتژیک حمص، حما، دیرالزور و به‌خصوص حلب توانست بسیاری از معادلات قبلی را که موجب استمرار وضعیت کنونی شده بود به صورت کمی و کیفی به هم زده و نشست وین دقیقا در بطن چنین شرایطی زاده شد. اینکه در این روزها مرتب گفته می‌شود نشست وین نشان‌دهنده شکست استراتژی دخالت نظامی روسیه در سوریه بوده است، دقیقا اشتباه است چراکه از همان ابتدای فرمان «ولادیمیر پوتین» برای آغاز این حملات، اهدافی چون حمایت از دولت اسد و نابودی گروه‌های تروریستی متنوع حاضر در بحران سوریه برای تسهیل و تعیین روند و پروسه مصالحه سیاسی در دستور کار مسکو - تهران بوده است. از طرف دیگر مسکو و تهران به عنوان متحدان اسد همیشه ضمن دفاع از مشروعیت دولت دمشق به‌خوبی می‌دانسته‌اند که در سوریه هیچ‌کس پیروز این جنگ نخواهد بود و هم‌اینک بیشترین تمرکز آنان بر حفظ شاکله ساختار موجود و تشکیل دولت وحدت ملی با شراکت نیروهای معتدل مخالف بوده است. درواقع نشست وین حاصل تجدیدنظر کمی و کیفی ائتلاف حامیان خارجی مخالفان اسد است که این بار شرط همیشگی و به قول آنان غیرقابل‌عبور «حذف اسد» را حداقل در دوره انتقالی کنار گذاشته‌اند. سخنان «جان کری» وزیر امور خارجه آمریکا مبنی بر اینکه هدف مذاکرات وین در واقع «مواجهه با چالش اصلی در سوریه برای ترسیم نقشه راه خروج از جهنم است» در همین راستا عنوان شده است. یک روز بعد از نشست وین نیز «بان‌کی‌مون» دبیرکل سازمان ملل متحد در جریان گفت‌وگو با رئیس کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در ژنو ضمن اشاره به پیش‌شرط برکناری اسد به عنوان یک گروگان‌گیری به‌صراحت می‌گوید«آینده سوریه یا آینده تمام مذاکرات صلح، نباید به مسئله آینده یک نفر بستگی داشته باشد و مردم سوریه باید درباره آینده بشار اسد تصمیم بگیرند»؛ موضوعی که تاکیدی بر همین تجدیدنظر و صحه‌گذاشتن بر مواضع روسیه و ایران بوده است. هرچند توافق اولیه وین پیروزی دیپلماسی بر جنگ و پذیرش یک راه‌حل مرضی‌الطرفین تلقی می‌شود اما در میانه این آشوب، موقعیت مسکو و تهران در جایگاه برتری نسبت به گذشته قرار گرفته است.

کوتاه دیپلماسی

تأکید بر حمایت کامل تهران از دمشق

• قائم‌مقام وزارت خارجه سوریه اولین مسافر سوری تهران است که بعد از نشست وین راهی ایران شده است. او در تهران دیدارهایی داشت که با محور آینده سوریه بحران‌زده بود. فیصل مقداد روز گذشته با محمدجواد ظریف، وزیر خارجه ایران و علی‌اکبر ولایتی، رئیس مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام دیدار کرد. ولایتی در این دیدار اطمینان داد که ایران هیچ راه‌حلی را بدون مشورت دولت سوریه نخواهد پذیرفت. «جمهوری اسلامی ایران هیچ راه‌حلی را که مورد قبول دولت و ملت سوریه نباشد، پیشنهاد نمی‌کند؛ بنابراین هر راه‌حلی که درباره سوریه مورد توجه و قبول جمهوری اسلامی ایران قرار گیرد، حتما باید از قبل مورد مشورت و توافق بین ایران و دولت سوریه باشد». او همچنین در جمع خبرنگاران تأکید کرد: «جمهوری اسلامی ایران به هیچ عنوان و در هیچ جایی با آمریکا چه مستقیم و چه غیرمستقیم همکاری ندارد و نخواهد داشت». محمدجواد ظریف همچنین در دیدار با فیصل مقداد با تأکید بر نقش مردم سوریه در تعیین آینده سیاسی این کشور درباره کنفرانس وین گفت: این کنفرانس تحرک خوبی در مسیر راهکار سیاسی بود و ما هم مواضع خودمان را به‌طور شفاف بیان کردیم.

کنفرانس وین، جمعه گذشته با حضور ۱۸ کشور و با موضوع صلح در سوریه برگزار شد. فیصل مقداد در دیدار با ظریف، ضمن تقدیر از حمایت‌های جمهوری اسلامی ایران از دولت و ملت سوریه گفت: بنده حامل سلام‌های گرم جناب آقای بشار اسد برای رهبر معظم انقلاب اسلامی و رئیس‌جمهوری اسلامی ایران هستم. اقدامات جمهوری اسلامی ایران در حمایت از ملت سوریه در تاریخ ثبت خواهد شد و مواضع ایران همواره مورد قدردانی دولت و ملت سوریه قرار گرفته است.

بریده اخبار
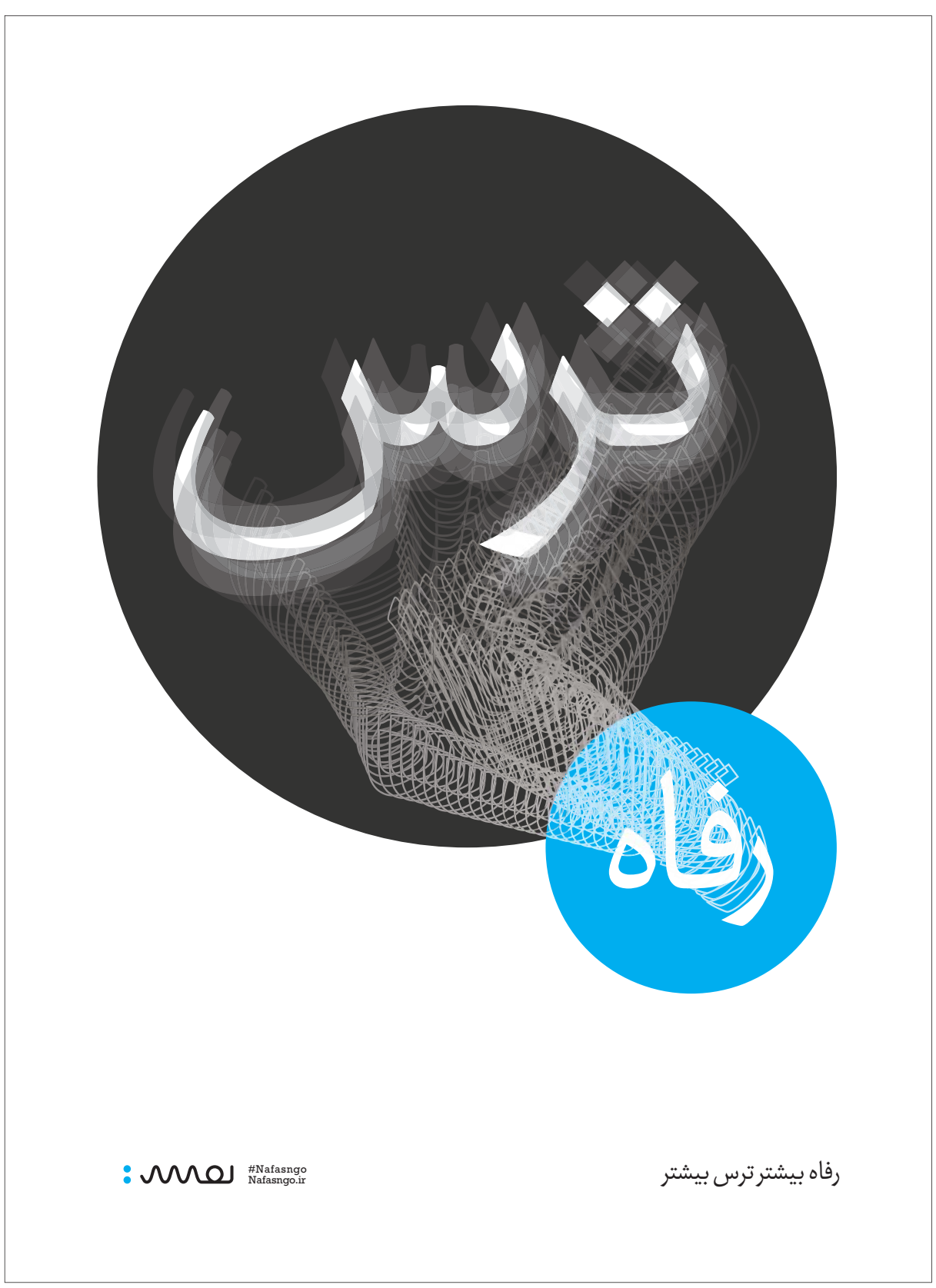
سخنگوی وزارت خارجه آمریکا در واکنش به خبر بازداشت یک شهروند لبنانی- آمریکایی در ایران گفت: افراد مقیم آمریکا دارای گذرنامه آمریکایی نیستند و خدمات کنسولی در صورت بازداشت از سوی کشور تابع آنها انجام می‌گیرد.